



The Differences in the Lexical Structure of Children's Authored and Translated Books Based on the Principles of Natural Morphology: A Case Study of Persian Linguistic Database (PLDB)

Sara Rezghi¹, Arezoo Najafian², Seyede Fatemeh Alavi³, Fatemeh Yousefi Rad⁴

1. Corresponding Author, Ph.D. Student of General Linguistics, Department of Linguistics and Foreign Languages, Payam Noor University, Tehran, Iran. E-mail: rezghi@student.pnu.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Linguistics and Foreign Languages, Payam Noor University, Tehran, Iran. E-mail: a.najafian@pnu.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Linguistics and Foreign Languages, Payam Noor University, Tehran, Iran. E-mail: falavi76@pnu.ac.ir
4. Assistant Professor, Department of Linguistics and Foreign Languages, Tehran, Iran. E-mail: f_yousefirad@pnu.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 25 Dec 2022

Received in revised form:
03 Apr 2023

Accepted: 04 Apr 2023

Available online: 23 Sep
2023

Keywords:

children's authored books,
translated children's books,
the principles of Natural Morphology,
children's literature,
children's books.

All over the world, translated books make up a significant part of children's literature. Therefore, studying the linguistic structure and features of these books, and also the factors based on which children, their parents, and Children's Books Council approve of a book, is essential. One of the most crucial linguistic aspects of children's books translation is choosing the appropriate set of vocabulary since the translator is supposed to select proper equivalents from kids' limited vocabulary to facilitate conveying the content and hence, their comprehension of the book. The current research is mainly concerned with how different these word choice methods are through the framework of natural morphology theory as well as how successfully translators have managed to select the proper set of vocabulary using this theory. concerning the aim, this is applied research involving mixed methods. The data were extracted from PLDB. The inferential statistics findings indicated that the principles of natural morphology (iconicity, transparency, binarity, and word length), no significant difference was observed between the words in authored versus translated books. Although, based on descriptive statistics, authored books have a more natural rate in the parameters of iconicity and word length. Thus the results indicate that overall, the translators & authors of children's books have successfully managed to select the right set of vocabulary.

Cite this article: Rezghi, s., Njafian, A., Alavi, S. F., & Yousefi Rad, F. (2023). The differences in the lexical structure of children's authored and translated books based on the principles of Natural Morphology: A case study of Persian linguistic database (PLDB). *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 11 (3), 65-85.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2022.8199.1657



مقایسه ساختار واژگانی کتاب‌های تألیف و ترجمه‌شده برای کودکان براساس اصول صرف طبیعی: مطالعه موردی پایگاه دادگان زبان فارسی

سارا رزقی^۱، آرزو نجفیان^۲، سیده فاطمه علوی^۳، فاطمه یوسفی‌راد^۴

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. رایانامه: rezghi@student.pnu.ac.ir
۲. دانشیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. رایانامه: a.najafian@pnu.ac.ir
۳. استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. رایانامه: falavi76@pnu.ac.ir
۴. استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. رایانامه: f_yousefirad@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۴ دی ۱۴۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۵ فروردین ۱۴۰۲

دسترسی برخط: ۱ مهر ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی:

کتاب‌های تألیفی کودکان،

کتاب‌های ترجمه‌ای کودکان،

اصول صرف طبیعی،

ادبیات کودکان،

کتاب‌های کودکان.

در همه جای جهان، بخشی از ادبیات کودکان به کتب ترجمه‌شده از زبان‌های دیگر اختصاص دارد. مطالعه ساختار و ویژگی‌های زبانی این کتاب‌ها، که از ملاک‌های انتخاب کتاب توسط خود کودکان، والدین و شورای کتاب کودک است، بسیار اهمیت دارد. یکی از مهم‌ترین وجوه زبان‌شناختی ترجمه کتاب کودک، واژه‌گزینی مناسب است؛ زیرا مترجم باید از میان تعداد محدودی واژه که دامنه واژگانی او را شامل می‌شود، معادل مناسبی را انتخاب کند تا انتقال محتوا و فهم کتاب برای کودک آسان شود. مسئله پژوهش حاضر این است که چه تفاوتی میان شیوه‌های گزینش واژه‌ها در کتب تألیفی و ترجمه‌ای برای کودکان در چارچوب نظریه صرف طبیعی وجود دارد و با محک اصول این نظریه، مترجمان تا چه اندازه توانسته‌اند واژه‌های مناسبی را انتخاب کنند؟ این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ روش اجراء، از نوع پژوهش‌های ترکیبی است. داده‌های پژوهش از پایگاه دادگان زبان فارسی استخراج شدند. یافته‌های آمار استنباطی نشان داد که براساس معیارهای نظریه صرف طبیعی (تصویرگونگی، شفافیت، دوگانگی و طول کلمه) اختلاف معناداری بین واژه‌های کتب تألیفی و ترجمه‌ای وجود ندارد، اگرچه براساس آمار توصیفی در پارامترهای تصویرگونگی و طول کلمه کتب تألیفی از نرخ طبیعی‌تری برخوردارند. این یافته‌ها مؤید آن است که در مجموع مؤلفان و مترجمان حوزه کتاب کودک در انتخاب واژه‌های مناسب، موفق عمل کرده‌اند.

استاد: رزقی، سارا؛ نجفیان، آرزو؛ علوی، سیده فاطمه؛ یوسفی‌راد، فاطمه (۱۴۰۲). مقایسه ساختار واژگانی کتاب‌های تألیف و ترجمه‌شده برای کودکان براساس اصول صرف طبیعی: مطالعه موردی پایگاه دادگان زبان فارسی. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۱۱ (۳)، ۶۵-۸۵.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

۱- مقدمه

ترجمه ادبیات کودکان فرایندی است شناختی از مخاطب اصلی و مخاطب در زبان مقصد که در آن علاوه بر فرایند کلی ترجمه، برگردان متن برپایه دانش زبانی مخاطب و باتوجه به جنبه‌های زیباشناختی اثر صورت می‌گیرد (قرشی، ۱۳۸۵). براساس اطلاعات و آمار مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران (۱۴۰۱)، نسبت تألیف به ترجمه در حوزه کتاب‌های کودک و نوجوان در بهار ۱۴۰۱، ۵۵ به ۴۵ درصد بوده که این رقم نسبت به سال گذشته، افزایش یک‌درصدی در حوزه تألیف داشته است (خانه کتاب و ادبیات ایران، ۱۴۰۱). براساس این آمار نمی‌توان اهمیت کتاب‌های ترجمه‌ای و گستردگی مخاطبان آن‌ها را نادیده گرفت.

مترجم در هنگام ترجمه آثار ادبی کودکان، باید توجه داشته باشد که خوانندگان اثر، کودک هستند و ترجمه باید به‌طور واضح کودک‌محور باشد (ژونگ^۱، ۲۰۱۷). باتوجه به اینکه یکی از معیارهای انتخاب کتاب کودک چه توسط شورای کتاب کودک و چه والدین، زبان و شیوه نگارش کتاب هست (نوکاریزی، ۱۳۹۲) و انتخاب واژه‌های مناسب نیز یکی از وجوه شاخص زبان متن است؛ براین اساس، پژوهش حاضر با مقایسه آثار ترجمه‌ای و تألیفی ادبیات کودک در چارچوب اصول نظریه صرف طبیعی^۲، میزان طبیعی بودن انتخاب واژه‌های بسیط^۳ و پیچیده^۴ را (در چهار مقوله فعل، اسم، قید و صفت) بررسی کرده است تا به پاسخ این پرسش برسد که از نظر رعایت اصول صرف طبیعی در این دو گروه چه تفاوتی وجود دارد؟ در صرف طبیعی اعتقاد بر این است که فرایندهای صرفی در صورتی طبیعی است که توزیع گسترده‌تر داشته باشد، در فرایند اکتساب زبان کودک زودتر فراگرفته شود، در مقابل تغییر زبان مقاوم باشد یا در زبان‌پریشی‌ها دیرتر در معرض فراموشی قرار گیرد (اشتوکر و لیبر^۵، ۲۰۰۵: ۶۷؛ بائر^۶، ۲۰۰۴: ۷۶).

در حوزه صرف طبیعی، حق‌بین (۱۳۷۹) کلیتی از مبانی این نظریه و دیدگاه‌های صرف‌شناسان طبیعی را بیان کرده است. کوشکی و مظفری (۱۳۸۶) با معرفی ملاک‌های این نظریه، فرایند ترکیب را با توسل به این ملاک‌ها بررسی کرده‌اند. امری (۱۳۹۲) نیز براساس اصول صرف طبیعی، ساختار کلمات

1. L. Zhong
2. Natural Morphology
3. simple words
4. complex words
5. P. Stekauer & R. Lieber
6. L. Bauer

مرکب به کاررفته در کتب درسی دوره دبستان را بررسی کرده است. کانیسینا^۱ (۲۰۱۱) با پرداختن به نقش صرف طبیعی در تولید افعال خلاقانه توسط کودکان لهستانی و انگلیسی‌زبان، این گونه استدلال می‌کند که نوآوری‌های کلامی با توجه به اصول صرف طبیعی قابل محاسبه است و کودکان از نظر شناختی الگوهای ساده یعنی الگوهای اشتقاقی بی‌نشان را انتخاب می‌کنند.

در حوزه زبان و ادبیات کودک، نوکاریزی و ضیغمی (۱۳۹۲)، به مقایسه میزان اهمیت ملاک‌های رایج انتخاب کتاب کودک از نظر والدین و کودکان پرداخته است. فخر (۱۳۹۲) هم به بررسی زبان‌شناختی ادبیات داستانی کودکان گروه سنی «الف»، «ب» و «ج» پرداخته است. یوسفی و البرزی (۱۳۹۶) نیز به بررسی و مقایسه کتاب‌های داستانی تألیفی و ترجمه‌ای براساس مراحل حل مسئله و ویژگی‌های حل‌کنندگان مسئله پرداخته‌اند. عاصی (۲۰۱۱) هم به بررسی و مقایسه تکواژهای واژگانی فارسی در کتاب‌های ترجمه‌ای و تألیفی کودکان پرداخته است. نتایج این پژوهش بیانگر عدم هم‌پوشانی کافی میان واژگان پایه فارسی دانش‌آموزان ایرانی در دوره ابتدایی و تکواژهای واژگانی به کاررفته در متون ترجمه‌ای و تألیفی موجود بود. ژونگ (۲۰۱۷) با تحلیل ترجمه قصه به رنگ نارنجی براساس نظریه هم‌ارزی کارکردی^۲ به این نکته اشاره دارد که مترجم باید ویژگی‌های جسمی و روانی کودکان را در نظر بگیرد؛ زیرا ترجمه ادبیات کودک نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد دنیای معنوی آن‌ها دارد. ژوسن^۳ (۲۰۱۹) به این نکته تأکید دارد که یک‌پنجم از کل کتاب‌های کودکان در فنلاند و هلند، ترجمه‌ای است.

۲- چارچوب نظری

۲-۱- نظریه صرف طبیعی و ساخت واژه

نظریه صرف طبیعی رویکردی است که در دهه ۱۹۷۰ در آلمان و اتریش شکل گرفت و زبان‌شناسانی مایرسالر^۴ (۱۹۸۱)، درسالر^۵ (۱۹۸۵) و ورزل^۶ (۱۹۹۴) مطالعاتی روی آن انجام دادند (بائر، ۲۰۰۴: ۷۶). طبیعی بودن را نباید با بالابودن بسامد وقوع یا سادگی هم‌معنا دانست؛ بلکه این مفهوم با بی‌نشان بودن مترادف است (درسالر و دیگران، ۱۹۸۷: ۳). درحقیقت، نظریه صرف طبیعی اصول نشانه‌شناسی خود را از نشانه‌شناسی پیرس گرفته است. نظریه پیرس عمدتاً بر تقابل بین طبیعی بودن و قراردادی بودن^۷ تمرکز

1. E. Konieczna
2. functional equivalence theory
3. V. Joosen
4. W. Mayerthaler
5. W. U. Dressler
6. W. U. Wurzel
7. conventional

دارد. این تقابل موضوع اصلی نظریه صرف طبیعی است.

نظریه صرف طبیعی شامل سه نظریه جزئی است که مایرسالر (۱۹۸۱) نخستین آن‌ها را مطرح کرد. مایرسالر معتقد بود نظریه صرف طبیعی از دو جزء طبیعی بودن فارغ از نظام^۱ یا نشان‌داری مربوط با دستور جهانی^۲ و طبیعی بودن وابسته به نظام^۳ یا تجانس نظام مربوط به دستور خاص یک زبان^۴ تشکیل شده است که به اعتقاد وی، بین این دو جزء رابطه دوسویه برقرار است (درسلر و دیگران، ۱۹۸۷: ۲۶). در اینجا مفهوم طبیعی بودن، مفهومی ارزشی نیست؛ بلکه به صورت یک رابطه است که به شکل نظمی ساختاری^۵ یا مقایسه‌ای^۶ در نظر گرفته می‌شود. معادل‌هایی که در این نظریه استفاده می‌شود: بی‌نشانی: طبیعی بودن (در دستور جهانی)، نشان‌داری: غیرطبیعی بودن (در دستور جهانی)، نشان‌داری کمتر: طبیعی بودن بیشتر، و نشان‌داری بیشتر: طبیعی بودن کمتر (درسلر و دیگران، ۱۹۸۷: ۲۶). اصول اساسی نظریه نشان‌داری صرفی^۷ عبارت‌اند از: اصل تصویرگونگی سازه‌ای^۸، اصل رمزگذاری اتحادشکلی^۹ و اصل شفافیت^{۱۰} (مایرسالر، ۱۹۸۱: ۴۸-۴۹). درسلر (۱۹۸۵) طی چند مقاله از جمله «جنبه‌های رده‌شناختی صرف طبیعی»^{۱۱}، اصل طول کلمه^{۱۲} و نمایه‌شدگی^{۱۳} را به اصول فوق اضافه کرد. همه این اصول، برای جلوگیری از تکرار، در بخش یافته‌های پژوهش، همراه با تحلیل داده‌های استخراج‌شده تعریف می‌شوند.

دومین قسمت این نظریه، طبیعی بودن وابسته به نظام است که ورزل (۱۹۹۴) آن را مورد بحث قرار می‌دهد. او رویکرد طبیعی بودن را تنها در مورد یک زبان خاص مدنظر قرار می‌دهد. ورزل بر این باور بود که در هر زبان یک سلسله خصوصیات ساختاری معرف نظام^{۱۴} وجود دارد که کودک آن‌ها را به منزله الگوی حاکم بر آن زبان از میان ملاک‌های موجود انتخاب می‌کند و فرامی‌گیرد (درسلر و

1. system-independent naturalness
2. (un)markedness with respect to UG
3. system-dependent naturalness
4. system-congruity with respect to G(L)
5. topological
6. comparative
7. morphological markedness theory
8. principles of constructional iconicity/diagrammaticity
9. principles of uniform encoding
10. principle of transparency
11. typological aspects of natural Morphology
12. word length principle
13. indexicality
14. system-defining structural properties

دیگران، ۱۹۸۷: ۶۲).

سومین جزء این نظریه، کفایت رده‌شناختی^۱ است که درس‌لر (۱۹۸۵) آن را مطرح کرد. وی معتقد بود یک زبان نمی‌تواند خود را براساس ملاک‌های جهانی به طبیعی‌ترین انتخاب‌ها محدود کند؛ برای مثال، زبانی مانند ترکی از نظر داشتن نشانه تصویری، اتحاد شکلی و شفافیت بالاترین میزان طبیعی بودن را دارد؛ اما در زبان لاتین این چنین نیست.

۲-۲ فرآیند واژه‌سازی در صرف طبیعی

صرف شامل دو فرآیند اساسی است: تصریف و واژه‌سازی. واژه‌سازی نیز مشتمل بر اشتقاق و ترکیب است. تفاوت‌های بین تصریف و اشتقاق را با ارجاع به روان‌شناسی زبان براساس دو مقوله پردازش^۲ و ذخیره‌سازی^۳ می‌توان تعریف کرد. به بیان دیگر، تصریف از رویه‌های مبتنی بر پردازش استفاده می‌کند؛ درحالی‌که قواعد واژه‌سازی با ذخیره‌سازی مرتبط است. براین اساس، تصریف بیشتر دستوری شده^۴ و اشتقاق بیشتر واژگانی شده^۵ است (درس‌لر و دیگران، ۱۹۸۷: ۶). انواع اصلی واژه در زبان فارسی در دو طبقه واژه‌های بسیط و پیچیده (مشتق، مرکب، مشتق-مرکب) قابل بررسی هستند؛ اما با توجه به اینکه شمار واژه‌های مشتق در این پژوهش بسیار اندک بود، از تحلیل آن‌ها چشم‌پوشی شد و فقط واژه‌های بسیط و مرکب بررسی شدند.

از دیدگاه ماتیوس^۶ (۱۹۹۱)، واژه بسیط، کلمه‌ای است که تجزیه‌پذیر به تکواژهای دیگر نباشد، مانند مداد. همچنین واژه‌های بسیط نسبت به واژه‌های پیچیده، از نظر نشان‌داری، بی‌نشان‌تر هستند. زیرا در فرآیند اکتساب زبان، واژه‌های ساده پیش از کلمات پیچیده فراگرفته می‌شوند (درس‌لر و دیگران، ۱۹۸۷: ۴۵).

از نظر کاتامبا^۷ (۱۹۹۳)، کلماتی که بیشتر از یک واژه باشند از نوع کلمات مرکب هستند. به بیان دیگر، یک کلمه مرکب حداقل از دو پایه تشکیل شده است که هر دو هم می‌توانند کلمه باشند و هم می‌توانند ریشه باشند؛ مانند «کتابخانه». همچنین «کلمات مرکب را می‌توان به عنوان ترکیب دستوری

1. typological adequacy
2. processing
3. storage
4. grammaticalized
5. lexicalized
6. P.H. Matthews
7. F. Katamba

واژه‌ها، یعنی واحدهای واژگانی تعریف کرد که واژه‌های جدید را می‌سازند» (درس‌لر، ۲۰۰۵: ۲۴). در پژوهش حاضر، واژه‌های مرکب با توجه به ساختار ساخت‌واژی (هسته‌داری یا بی‌هستگی) و روابط معنایی حاکم بر سازه‌های آن‌ها (شفافیت و تیرگی معنایی)، و واژه‌های بسیط بر اساس ساختار هجایی‌شان بررسی می‌شوند.

۳-۲ تقسیم‌بندی معنایی کلمات مرکب

کلمات مرکب بر اساس رابطه معنایی واژه‌ها با یکدیگر به سه نوع تقسیم می‌شوند:

الف. درون‌مرکز: کلمه مرکبی است که معنای کل آن در شمول یکی از کلمات سازنده‌اش قرار گیرد. در کلمه مرکب درون‌مرکز یک هسته معنایی وجود دارد که نقش اصلی در بیان مفهوم را ایفا می‌کند (بائر، ۱۹۹۳: ۳۰). بنابراین، کلمات مرکب درون‌مرکز، شفاف و به‌روشنی تجزیه‌پذیر به تکواژهای سازنده‌شان هستند. در زبان فارسی، کلمات مرکب درون‌مرکز هم می‌توانند هسته‌آغاز باشند و هم هسته‌پایان. برای مثال، «اره ماهی» که هسته‌پایان است، نوعی ماهی است و «مدادرنگی» که نوعی مداد است هسته‌آغاز محسوب می‌شود.

ب. برون‌مرکز: واژه مرکبی است که معنای آن در شمول هیچ‌یک از عناصر سازنده‌اش قرار ندارد (بائر، ۱۹۹۳: ۳۱). معنی این کلمات را نمی‌توان از مجموع معانی عناصری که آن واحد را تشکیل می‌دهند به دست آورد. برای مثال، «گردن‌کلفت». کلمات برون‌مرکز از نظر معنایی فاقد هسته هستند.

ج. متوازن: کلمه‌ای است که هیچ‌یک از عناصر سازنده‌اش در مقام هسته آن قرار ندارد و معنای کل واژه سرجمع معانی واژه‌هایی است که هم‌تراز باهم در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند (اسپنسر^۱، ۱۹۹۱: ۳۱). برای مثال، «کت(و)شلوار»، به نوعی لباس اشاره دارد که با شلوار تک و کت تک تفاوت دارد و برای اشاره به مجموعه‌ای از این دو به کار می‌رود (شقایق، ۱۳۸۶: ۱۲۴).

۴-۲ انواع هجا و هجابندی در زبان فارسی

هجا یک واحد آوایی مرکب است که از یک یا چند واحد زنجیری و یک یا چند واحد زبرزنجیری ترکیب شده باشد و ضرورتاً یکی از واحدهای زنجیری آن دست‌کم دارای مختصه هجایی باشد. در فارسی سه نوع هجا داریم: هجای کوتاه (cv) مانند /su/، هجای متوسط (cvc) مانند /sud/ و هجای بلند (cvcc) مانند /goft/ (حق‌شناس، ۱۳۷۱: ۱۳۸-۱۳۹). از آنجاکه دو واکه نمی‌توانند در یک هجا قرار

گیرند، تعداد هجاها در هر رشته آوایی بزرگ‌تر از هجا می‌تواند با شمارش واکه‌ها مشخص شود (ثمره، ۱۳۷۸: ۱۰۹). در این پژوهش هجابندی واژه‌های بسیط براین اساس صورت گرفته است و تعداد هجاها براساس تعداد واکه‌ها به دسته‌های تک‌هجایی، دو‌هجایی، سه‌هجایی و بیشتر تقسیم شده‌اند.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش اجرا، از نوع پژوهش‌های کمی و کیفی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای ادبیات کودک در پایگاه دادگان زبان فارسی^۱ و نمونه آماری برابر با جامعه آماری است. بنابراین، پژوهشگران این مقاله با مراجعه به پایگاه دادگان زبان فارسی قسمت گشت‌وگذار متون، انتخاب نمایش واژه‌های برچسب‌دار و سپس انتخاب نام اثر (کتاب‌های ترجمه‌ای و تألیفی کودکان مربوط به گروه‌های سنی الف، ب و ج) به گردآوری واژه‌های موردنظر پرداخته‌اند. حجم نمونه موردبررسی در این پژوهش متشکل از ۲۲۴۰ واژه بسیط و مرکب کتاب‌های ترجمه‌ای و ۲۴۴۹ واژه بسیط و مرکب کتاب‌های تألیفی است. کلیه واژه‌ها بسیط تک‌هجایی، دو‌هجایی و سه‌هجایی (به‌علاوه تعداد اندک واژه‌های چهارهجایی و بیشتر، آن‌ها را از تحلیل خارج کردیم) و واژه‌های مرکب اعم از اسامی، افعال، صفات و قیود استخراج و یادداشت‌برداری شدند. در مرحله بعد واژه‌های بسیط و مرکب ثبت‌شده در کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای، براساس معیارهای صرف طبیعی، برای تعیین میزان طبیعی‌بودنشان مقایسه شدند.

۴- یافته‌های پژوهش

در مبانی نظری پژوهش اشاره شد که مایرسالر (۱۹۸۱) معتقد است بین طبیعی بودن و نشان‌داری یک صورت زبانی رابطه معکوس وجود دارد (بائر، ۲۰۰۴: ۷۶). به این معنی که هرچه پدیده صرفی از نشان‌داری کمتری برخوردار باشد، طبیعی‌تر است؛ براین اساس، ملاک‌هایی را برای تعیین طبیعی بودن ساخت‌های زبانی معین می‌کنند که در ادامه این مبحث این ملاک‌ها تعریف و داده‌های مرتبط به هریک ارائه و تحلیل می‌شود. باتوجه به مقاله درس‌لر (۲۰۰۵) که در آن معیارهای طبیعی بودن فرایند ترکیب را بررسی می‌کند، دو معیار نمایه‌شدگی و اتحاد شکلی در فرایند ترکیب قابل‌بررسی نیست و فقط معیارهای تصویرگونگی، شفافیت، دوگانگی^۲ و طول کلمه بررسی می‌شوند.

1. <https://pldb.ihs.ac.ir/>

2. binarity

۴-۱ معیار تصویرگونگی و یافته‌های پژوهش

تصویرگونگی مفهومی نشانه‌شناختی است که ناظر بر نوعی رابطه تشابهی، قیاسی و استعاری میان صورت یک نشانه و معنای آن است. یاکوبسن تصویرگونگی را در انتقاد از دیدگاه سوسور مبنی بر اختیاری بودن نشانه‌های زبانی مطرح کرد. او با استفاده از طبقه‌بندی پیرس، بر وجه غیراختیاری زبان تأکید می‌کند که ویژگی تصویرگونگی دارد؛ یعنی آن ویژگی زبانی که با همانندی صورت و معنا در ارتباط است (هیراگا^۱، ۱۹۹۴: ۶). پیرس (۱۹۶۵) سه نوع نشانه را تعریف کرده است: شمایل^۲ که در آن رابطه بین نشانه و موضوع بر اساس شباهت است؛ مانند نام‌آواها. نمایه^۳ که در آن رابطه بین نشانه و موضوع از نوع علی است؛ مانند رابطه میان دود و آتش و انواع نشانه‌های طبیعی چون بو و مزه. درنهایت، نماد^۴ که در آن بین نشانه و موضوع رابطه قراردادی وجود دارد که واژه‌ها (به استثنای نام‌آواها) مهم‌ترین نشانه‌های نمادین هستند. پیرس شمایل‌ها را در تقسیم‌بندی دیگری به سه گروه تقسیم می‌کند: تصویر، نمودار^۵ و استعاره^۶.

تصویرگونگی نموداری، نوعی تصویرگونگی شمایلی است که اجزای دال (ویژگی‌های صوری) نموداری تصویرگونه را از اجزای مدلول (ویژگی‌های معنایی) خود منعکس می‌کند (گرینبرگ^۷، ۱۹۹۵: ۵۹). یاکوبسن نیز معتقد بود که صرف زبان‌های طبیعی دارای انگیزش‌هایی است که آن‌ها را تصویرگونگی نموداری نام گذاشت. زبان‌ها از نشانه‌ای نموداری-تصویری استفاده می‌کنند که پژوهش‌های گرینبرگ (۱۹۹۵) مبین این مطلب است (حق‌بین، ۱۳۷۹: ۲۶). از دیدگاه درس‌لر و دیگران (۱۹۸۷)، واژه‌های مورد استفاده برای صدای پرنده به دو صورت تصویری هستند:

۱. آن‌ها می‌توانند بازتابی از صدای آواز پرنندگان باشند که همان نام‌آواها^۸ هستند. این همان تصویرگونگی لغوی در معنای تصویری است.

۲. صدای پرنندگان معمولاً ساختاری تکراری^۹ دارد. تکرار این مدلول را می‌توان با کپی‌برداری در این نشانه‌ها به صورت تصویری تقلید کرد؛ مانند واژه‌های پژواکی. این شباهت تصویرگونه ماهیتی

1. M. K. Hiraga
2. icon
3. index
4. image
5. diagram
6. metaphor
7. J. H. Greenberg
8. onomatopoeic
9. repetitive

انتزاعی تر دارد؛ پس نموداری است، تکرار در مدلول، به صورت کامل است؛ اما در اغلب افعال، این اتفاق در سطح نشانه‌ها به صورت ناقص رخ می‌دهد. بنابراین، این نوع تصویرگونگی استعاری است. مایرسالر (۱۹۸۱) یک مثال بارز از تصویرگونگی را در صرف تصریفی مطرح می‌کند؛ اما درس‌لر این ویژگی را در صورت‌های اشتقاقی به کار می‌برد. مثلاً در واژه "read-er" (خواننده)، فرآیند اشتقاق موجب افزودن معنای مفهومی (عاملیت)^۱ به معنای ریشه (read) می‌شود؛ در نتیجه، باعث به وجود آمدن یک صورت اشتقاقی می‌شود. در چنین صورت‌هایی رابطه نموداری^۲ بین صورت و معنا وجود دارد؛ به این صورت که می‌توان برای صورت *read* مفهوم *A* و برای تکواژ *er* مفهوم *B* را در نظر گرفت. معنای کل کلمه *reader* نیز مجموع *A + B* می‌شود. بنابراین، در این مثال چون مرز بین پایه ووند مشخص است، این صورت از نظر واژی، دارای حداکثر تصویرگونگی یا به بیانی، شفافیت تکواژآرایی^۳ است. گاهی وندافزایی به کاهش تصویرگونگی منجر می‌شود؛ برای مثال، در واژه "electric/electric-ity" که نرم‌کامی‌شدگی^۴ اتفاق افتاده است: /k/ تبدیل به /s/ شده است. این تغییرات واجی باعث تیرگی تکواژآرایی^۵ شده است (درس‌لر و دیگران، ۱۹۸۷: ۱۰۱-۱۰۳).

بنابراین، درس‌لر و دیگران (۱۹۸۷) دو مقیاس برای طبیعی بودن در فرایند واژه‌سازی در نظر می‌گیرند: ۱. وندافزایی؛ ۲. تغییرات واجی. از آنجاکه در میان نشانه‌ها، شمایل طبیعی‌ترین نوع نشانه‌هاست، وندافزایی و واژه‌سازی بدون تغییر واجی در بالاترین تصویرگونگی نموداری و در حداکثر طبیعی بودن قرار دارد.

براساس پژوهش‌های پیشین (ر.ک. کوشکی، ۱۳۸۷)، پارامتر تصویرگونگی در زبان فارسی پیوستاری است. برای مثال، از بین صورت‌های جمع در زبان فارسی، وندافزایی مانند کوه + ها، کاملاً تصویری است؛ تغییر آوایی در کلمه مثل جمع مکسر مدرسه/مدارس، کمی تصویری است؛ اسامی جمع مانند گله نیز که در آن‌ها هیچ تغییر صوری اتفاق نمی‌افتد، غیرتصویری هستند.

اکنون پس از تعریف معیار تصویرگونگی به سراغ داده‌های پژوهش حاضر می‌رویم. از نظر تصویرگونگی، در کتب ترجمه‌ای و تألیفی، طبق جدول (۱) پیوست، بررسی‌ها نشان داد که ۸۹/۴ درصد از واژه‌های کتب ترجمه‌شده و طبق جدول (۲) پیوست، ۹۶/۸ درصد از واژه‌های کتب تألیفی،

1. agentive Meaning
2. diagrammatic analogy
3. morphotactic transparency
4. velar Softening
5. morphotactic opacity

طبیعی هستند. همچنین از بین واژه‌های بسیط، واژه‌های دوهجایی کتب تألیفی با ۹۸/۵ درصد و در بین واژه‌های بسیط کتب ترجمه‌ای واژه‌های سه‌هجایی با ۹۷/۸ درصد بیشترین واژه‌های طبیعی از نظر تصویرگونگی را دارا هستند. در این داده‌ها نام‌آواها که اکثر آن‌ها در مقوله قید مرکب جای دارند، بیشترین تصویرگونگی را دارند.

۱. گنجشک که خیلی ناراحت بود غرغرکنان پرید و رفت. (ترجمه)

۲. جنگل هنوز در خواب بود که آواز گل تاج‌خروس بلند شد قوقولی‌قوقو. (تألیفی)

۳. توی باغ تا علف‌های سبز را قرچ‌وقرچ بچود. (ترجمه)

در این مثال‌ها، نمونه‌هایی از تصویرگونگی آوایی وجود دارد که به آواز جانواران (قوقولی‌قوقو) یا برخی نواهای انسانی (غرغرکنان) یا اصواتی که حالت و چگونگی انجام فعل را نشان می‌دهد (قرچ‌وقرچ) دلالت دارد. در این مثال‌ها، رابطه بین دال و مدلول مبتنی بر تشابه است؛ یعنی دال از برخی جهات (شکل ظاهری، صدا، حالت و احساس) مشابه موضوعش است. بنابراین، هرچه رابطه بین دال و مدلول روشن‌تر باشد، مخاطب کودک آن را راحت‌تر درک می‌کند که در این بین، نام‌آواها بهترین نمونه از تصویرگونگی هستند. کودکان این نام‌آواها را خیلی سریع یاد می‌گیرند و آن‌ها را تقلید می‌کنند. در مقوله اسامی مرکب هسته‌آغاز مانند «کاغذرنگی» میزان تصویرگونگی بالاست. در زبان فارسی اسم و صفت مرکب هسته‌آغاز دارای شفافیت معنایی بالایی نیز هست و درک مفهوم آن برای مخاطب راحت‌تر است.

۴. بر روی کاغذرنگی چیزهایی نوشته شده بود. (تألیفی)

در حیطه صفات مرکب هسته‌آغاز، کلماتی مانند «خوشحال» دارای تصویرگونگی است.

۵. قارچ مودی خوشحال بود. (تألیفی)

براساس دیدگاه درسلر (۲۰۰۵)، در زبانی مانند انگلیسی که هسته‌پایان است، دومین جزء، معنای کل کلمه را تبیین می‌کند. بنابراین، این ترتیب خطی به صورت تصویرگونه‌ای در صرف بازتاب داده می‌شود؛ به این صورت که دومین جزء نه تنها از دیدگاه معنایی بلکه از دیدگاه ساختاری مبنا و اصل است. همچنین در زبان فارسی که هم هسته‌آغاز و هم هسته‌پایان است، وند تصریفی باید به جزء دوم اضافه شود؛ زیرا کلمه مرکب مانند یک واژه بسیط و مستقل عمل می‌کند؛ مانند «مداد رنگی‌ها». اگر وند تصریفی به جزء اول اضافه شود؛ مانند «مدادهای رنگی» این دیگر کلمه مرکب نیست؛ بلکه یک عبارت

نحوی موصوف و صفت است. این واژه‌ها به اصطلاح معنایی درون مرکز هستند که در بخش شفافیت معنایی نیز بررسی می‌شوند. نتایج پژوهش درس‌ساز (۱۹۹۵) نیز این نکته را تأیید می‌کند که تصویرگونگی به مثابه پدیده‌ای تنظیم‌کننده، درجه‌های شفافیت و تیرگی را نشان می‌دهد. برای واژه‌های بسیط به واژه «بزرگ» دقت کنید، این واژه هم می‌تواند به صورت صفت به کار رود و هم به صورت اسم. بنابراین، با پدیده‌ای چندکارکردی روبه‌رو هستیم و میزان تصویرگونگی کاهش می‌یابد. براین اساس، تک‌تک واژه‌های این پژوهش، از نظر کارکرد در فرهنگ‌های عمید، معین و دهخدا بررسی شدند.

۶. جنگل یک درخت شده بود، یک درخت بزرگ (در نقش صفت). (تألیفی)

۷. بزرگ و کوچک برخورد دو قدرت را زیر نظر گرفته بودند (در نقش اسم). (تألیفی)

در این دو جمله، واژه «بزرگ»، در دو نقش متفاوت در کتاب‌های داستان آمده است و طبق اصل تصویرگونگی چون رابطه صورت و کارکرد آن در جمله یک‌به‌یک نیست؛ بنابراین، طبیعی نیست. در این پژوهش، تصویرگونگی از نوع درونی^۱ است؛ یعنی ارتباط بین صورت و معنا در درون زبان، باید برقرار باشد. در این نوع تصویرگونگی، بین مختصات صوری و مختصات معنایی یک نشانه، ارتباط تصویرگونه برقرار است؛ به گونه‌ای که ویژگی‌های یک سطح همچون سطح صورت، نموداری تصویرگونه از ویژگی‌های سطح دیگر همچون معنا را منعکس می‌کند (گرینبرگ، ۱۹۹۵). تصویرگونگی بیرونی^۲، به رابطه بین صورت و مصداق آن در جهان خارج می‌پردازد که در این پژوهش این نوع تصویرگونگی مدنظر نیست.

۴-۲ معیار شفافیت و یافته‌های پژوهش

براساس اصل شفافیت یک صورت زبانی زمانی شفاف در نظر گرفته می‌شود که از اصل ترکیب معنایی فرگه^۳ پیروی کند؛ به بیان دیگر، اگر نشانه تصریفی/اشتناقی تنها یک معنی یا نقش داشته باشد، آنگاه آن صورت زبانی شفاف است (درس‌ساز و دیگران، ۱۹۸۷: ۴۹). برای مثال، تصریف صفت در زبان انگلیسی و زبان فارسی را در نظر بگیرید؛ نشانه تفضیلی در زبان انگلیسی علاوه بر نقش تفضیلی، مبین کنش‌گر^۴

1. internal
2. external
3. Fregean principle of compositionality
4. actor

برای فاعل و ابزار^۱ هست؛ بنابراین، این نشانه تفضیلی شفاف نیست.

هر واژه در صورتی شفاف در نظر گرفته می‌شود که به روشنی تجزیه‌پذیر به تکواژهای سازنده‌اش باشد و دانسته‌های ما درباره تکواژهای حاضر برای تفسیر معنی واژه در بافت کفایت کند. تیرگی معنایی نیز زمانی مطرح می‌شود که نتوان معنی یک واحد واژگانی را از مجموع معانی عناصری که آن واحد را تشکیل می‌دهند به دست آورد. به سخن دیگر، حاصل جمع مفهوم عناصر تشکیل‌دهنده یک واحد واژگانی مفهوم آن واحد را در ذهن متبادر می‌سازد (بائر، ۱۹۹۳: ۱۹). افراشی (۱۳۷۸) در مقاله خود از شفافیت صرفی در زبان فارسی، واژه‌هایی همچون قانونمند، گل‌فروشی و ... را ذکر می‌کند که اجزای آن‌ها به روشنی قابل تفکیک و درک است؛ از سوی دیگر، واژه «وخیم» در مقابل «بدخیم» تیره می‌نماید. در این مثال، تیرگی معنایی ناشی از تیرگی صرفی است؛ به این معنی که اگر گویشور نتواند اجزای ترکیب را به درستی شناسایی کند، کلمه مرکب دارای تیرگی معنایی است و معنای کل واژه نیز قابل تجزیه و ارجاع به اجزا ترکیب نیست.

اگر رابطه بین صورت و معنا به گونه‌ای باشد که هر صورت نشان‌دهنده یک معنا باشد، واژه مرکب دارای شفافیت معنایی است (اشتوکر و لیبر، ۲۰۰۵: ۲۷۱)؛ مانند *high-school*. کلمه مرکبی که کاملاً شفاف است. از دیدگاه (درسلر، ۲۰۰۵)، شفافیت کامل یعنی برانگیختگی^۲ کلمه مرکب یا مشتق با اجزایش یا با استفاده از قوانین ساخت واژه در پایه‌ها. البته شفافیت هرگز نمی‌تواند کامل باشد؛ زیرا براساس اصل ترکیب معنایی فرگه فقط می‌تواند برای نحو به کار رود که معنای واحد نحوی کاملاً مشتق از سازه‌های نحوی آن است (به جز اصطلاحاتی مثل *to kick the bucket* به معنای مردن)؛ بنابراین، واژگانی شدن کمتر به معنای شفافیت بیشتر و واژگانی شدن بیشتر به معنای تیرگی است. براین اساس، اشتوکر و لیبر (۲۰۰۵) چهار درجه‌بندی برای شفافیت واژه‌معنایی قائل شده‌اند: شفافیت هر دو جزء ترکیب (*Door-bell*/زنگ در)، شفافیت هسته و تیرگی غیرهسته (*Strawberry*/توت‌فرنگی)، شفافیت غیرهسته و تیرگی هسته (*Jail-bird*/آدم زندانی و شرور)، تیرگی هر دو (برون مرکز) (*-Hum bug*/حقه‌بازی). براساس این درجه‌بندی فرض بر این است که شفافیت هسته بسیار مهم‌تر از غیرهسته است.

همچنین واژه‌های بسیط به دلیل ماهیت اختیاری نشانه‌های زبان تیره به حساب می‌آیند، در چنین

شرایطی به نظر می‌رسد که شفافیت در واحدهایی قابل بحث باشد که بیش از یک تکواژ دارند (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۵۴). بنابراین، در این پژوهش معیار شفافیت فقط برای واژه‌های مرکب قابل بررسی است. باتوجه به مبانی نظری پژوهش در مورد واژه‌های درون مرکز و برون مرکز، شفافیت معنایی زمانی مطرح است که معنی یک واحد واژگانی برابر باشد با مجموع معانی عناصری که آن واحد را تشکیل می‌دهند. براساس یافته‌های پژوهش جدول (۱) پیوست، ۹۵/۳ درصد از واژه‌های کتب ترجمه شده و براساس جدول (۲) پیوست، ۹۶/۲ درصد از واژه‌های کتب تألیفی از نظر شفافیت طبیعی هستند. برای نمونه، کلمات مرکبی مانند «کوتاه‌قد»، «سریند»، «پدربزرگ» شفاف در نظر گرفته می‌شوند؛ زیرا به روشنی به تکواژهای سازنده‌شان تجزیه پذیر هستند.

۸. حالا تصمیم گرفته‌ام پیش پدر بزرگم بروم. (ترجمه)

در مقابل، کلمه «سرگرم» را که از دو کلمه «سر» و «گرم» تشکیل شده است و معنای کلی آن (مشغول بودن، درگیر بودن) با مفهوم دو جزء آن ارتباط معنایی ندارد، در نظر بگیرید.

۹. سوهو به پرستاری و تیمار کره‌اسب سرگرم شد. (ترجمه)

مثال‌های دیگری مانند «پوست کلفت» (کسی که در سختی‌ها تحملش زیاد است) نیز دارای شفافیت معنایی نیست؛ برای مثال، حیوان پوست کلفت که از این کار خیلی بدش آمده بود باخشم نگاهی به بوبو انداخت (ترجمه). درک این واژه‌های مرکب، برای مخاطب کودک بسیار سخت است. بنابراین، نویسندگان و مترجمان کتاب کودک باید به این معیار شفافیت بسیار توجه کنند.

۴-۳ معیار دوگانگی و یافته‌های پژوهش

براساس دیدگاه درس‌ر (۲۰۰۵)، روابط نشانه‌شناختی و در نتیجه دستوری ترجیحاً مانند قبل به صورت دوتایی^۱ هستند؛ همان‌طور که پیش‌تر توسط پیرس (۱۹۶۵: ۲۷۷) مشاهده شده است. همچنین در زبان‌شناسی ساختاری ظاهراً روابط سه‌تایی معمولاً باید به دو رابطه دوتایی تقسیم شوند؛ برای نمونه، ساخت واژه باید به صرف تصریفی و واژه‌سازی تقسیم شود که دومی به نوبه خود به اشتقاق و ترکیب تقسیم می‌شود. بنابراین، طبق نظریه صرف طبیعی، روابط صرفی دوگانه به روابط سه‌گانه یا چندگانه ترجیح داده می‌شوند؛ بنابراین، کلمات مرکبی که از دو عضو تشکیل شده‌اند، طبیعی‌تر هستند. در جمله زیر کلمه «پدر بزرگ» را در نظر بگیرید.

۱۰. حالا تصمیم گرفته‌ام پیش پدر بزرگم بروم. (ترجمه)

این کلمه از دو بخش «پدر» و «بزرگ» تشکیل شده است و طبیعی است. کلمات دیگری مانند «قاه‌قاه»، «فرو کردن»، «نیمه تاریک»، «کهن‌سال»، «گلبرگ»، «دست‌بند»، «دوردست» و «بال‌زنان» از نظر دوگانگی طبیعی و کلمه «گریه سردادن» از نظر دوگانگی غیرطبیعی است. طبق جدول (۱) پیوست، بررسی‌ها نشان داد که ۹۵/۴ درصد از واژه‌های کتب ترجمه‌شده و برطبق جدول (۲) پیوست، ۹۵/۶ درصد از واژه‌های کتب تألیفی از نظر دوگانگی طبیعی هستند. همچنین از بین واژه‌های کتب تألیفی، مرکب صفتی با ۹۷/۷ درصد و در بین واژه‌های کتب ترجمه‌ای مرکب قیدی با ۱۰۰ درصد بیشترین واژگان طبیعی از نظر دوگانگی را دارا هستند.

۴-۴ معیار طول کلمه و یافته‌های پژوهش

درس‌لر و دیگران (۱۹۸۷) به نقل از هولنشتاین^۱ (۱۹۷۶) اصل برجستگی^۲ را در مورد شکل واژه مطرح می‌کنند. از دیدگاه آن‌ها، درون یک واژه، هجای اول و همخوان‌ها بیشترین برجستگی را دارند. به این دلیل است که در سرواژه‌سازی همخوان‌های اول واژه‌ها انتخاب می‌شوند نه آخر. برای نمونه، در مثال زیر:

11. British Broadcasting Corporation

سرواژه BBC ساخته می‌شود نه HGN. این روش از نظر پردازش و درک توسط مخاطب و فرستنده بسیار اهمیت دارد. بنابراین، ریشه، ستاک و پایه‌های واژگانی نسبت به صورت‌های تصریفی ترجیح داده می‌شوند. درس‌لر و دیگران (۱۹۸۷) اعتقاد دارند که چون هجا یک واحد ادراکی با اهمیت است، شفافیت واژی در صورتی افزایش می‌یابد که مرز بین هجاها با مرزهای صرفی تطابق داشته باشد. همچنین طول بهینه صورت کلمه به نظر می‌رسد که بین یک تا سه هجا باشد، یعنی برابر با یک واحد نوایی، یک گام^۳ (پایه)^۴ است (وزن در زبان انگلیسی به صورت گامی است و در زبان فارسی به صورت هجایی است). طبق اصل اقتصاد، وندها نسبت به ریشه‌ها و ستاک‌ها می‌توانند کوتاه‌تر باشند. طول یک ونده اشتقاقی حدوداً برابر با یک هجا است. در این مرحله واژه‌های بسیط^۵ یک، دو و سه‌هجایی از نظر طول کلمه طبیعی است. در این صورت، ۱۰۰ درصد از واژه‌های کتب تألیفی و ۱۰۰ درصد از واژه‌های کتب

1. E. Holenstein

2. sailence

3. foot

۴. یک یا چند هجا که باتوجه به الگوی تکیه یا کمیت یک واحد ضرب/وزن (rhythm) را تشکیل می‌دهد.

ترجمه شده از لحاظ طول کلمه طبیعی هستند. در این پژوهش، واژه‌های بسیط چهاره‌جایی و بیشتر مشاهده نشد.

جدول‌های (پیوست) و نمودارهای (۱) و (۲) نتایج کامل رعایت صرف طبیعی در کتب ترجمه‌ای و تألیفی را نشان می‌دهد. جدول‌های (۱) و (۲) در متن پژوهش، به بررسی تحلیل آمار استنباطی و نتایج حاصل از مقایسه ساختار واژگانی کتب تألیفی و ترجمه‌ای می‌پردازد.

براساس نتایج جدول (۱)، با توجه به تبعیت داده‌ها از توزیع نرمال به منظور مقایسه ساختار واژگانی کتب تألیفی و ترجمه‌ای برای کودکان، در چارچوب نظریه صرف طبیعی از آزمون تی^۱ نمونه‌های مستقل استفاده شده است. در این پژوهش، برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف^۲ استفاده کرده‌ایم. به این معنا که اگر داده‌ها دارای توزیع نرمال باشند، امکان استفاده از آزمون پارامتریک^۳ وجود دارد؛ در غیر این صورت، باید از آزمون ناپارامتریک^۴ استفاده کنیم. اگر سطح معناداری که با *Sig* نشان داده می‌شود در جدول این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ باشد، آنگاه داده‌ها نرمال هستند و در صورتی که از ۰/۰۵ کوچک‌تر باشد، توزیع داده‌ها نرمال نیست. با توجه به جدول (۱) می‌بینیم که برای آزمون کولموگروف اسمیرنوف، مقدار *Sig* چون از ۰/۰۵ بزرگ‌تر است؛ بنابراین، نشان‌دهنده نرمال بودن داده‌هاست.

در آزمون *t* نمونه‌های مستقل به منظور مقایسه ساختار واژگانی کتب تألیفی و ترجمه شده برای کودکان در چارچوب نظریه صرف طبیعی فرضیه صفر و فرضیه یک (*H0* و *H1*) به صورت زیر است:

$$H0: \mu 1 = \mu 2$$

$$H1: \mu 1 \neq \mu 2$$

فرضیه صفر بیان می‌کند که میانگین درصد واژه‌ها در چارچوب صرف طبیعی در کتب تألیفی و ترجمه‌ای برای کودکان اختلاف معناداری ندارد و فرضیه یک بیان می‌کند که میانگین درصد واژه‌ها در چارچوب صرف طبیعی در کتب تألیفی و ترجمه‌ای برای کودکان اختلاف معناداری دارد.

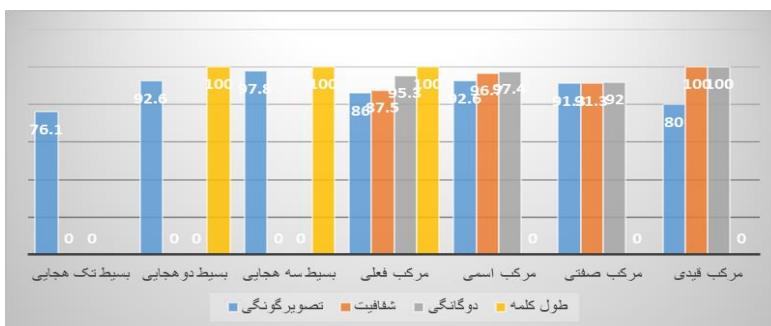
با توجه به نتایج این آزمون مشخص می‌شود که در همه موارد مورد بررسی سطح معناداری (مقدار *sig*) به دست آمده بیشتر از ۰/۰۵ است. پس فرضیه صفر رد نمی‌شود؛ یعنی میانگین درصد واژه‌ها در چارچوب صرف طبیعی در کتب تألیفی و ترجمه شده برای کودکان اختلاف معناداری ندارد.

1. *t* test

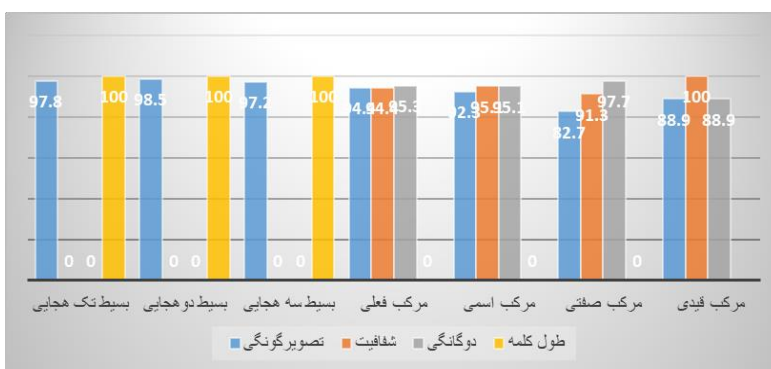
2. Kolmogorov–Smirnov test

3. parametric test

4. non-parametric test



نمودار (۱). نتایج کامل بررسی صرف طبیعی واژه‌های مرکب در کتب ترجمه‌شده



نمودار (۲). نتایج کامل بررسی صرف طبیعی واژه‌های مرکب در کتب تألیفی

جدول (۱). آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌ها

مؤلفه‌ها	مقدار آمار آزمون	سطح معناداری	sig
درصد واژه‌ها در چارچوب طبیعی بودن تصوریرگونگی	۰/۵۹۵	۰/۰۵	۰/۸۷۱
درصد واژه‌ها در چارچوب طبیعی بودن شفافیت	۰/۵۳۵	۰/۰۵	۰/۹۹۶
درصد واژه‌ها در چارچوب طبیعی بودن دوگانگی	۰/۸۷۹	۰/۰۵	۰/۴۲۳

جدول (۲). نتیجه آزمون مقایسه میانگین‌های دو گروه مستقل مربوط به ساختار واژگانی کتب تألیفی و ترجمه‌شده برای کودکان

در چارچوب صرف طبیعی

متغیر وابسته		درصد واژه‌ها در چارچوب طبیعی بودن تصوریرگونگی		درصد واژه‌ها در چارچوب طبیعی بودن شفافیت		درصد واژه‌ها در چارچوب طبیعی بودن دوگانگی	
متغیر مستقل		تألیفی	ترجمه‌ای	تألیفی	ترجمه‌ای	تألیفی	ترجمه‌ای
آمار توصیفی	میانگین	۹۳/۵۷	۸۸/۲۲	۹۴/۹۸	۹۳/۴۸	۹۴/۵۲	۸۸/۲۲
	انحراف معیار	۵/۴۵	۷/۱۷	۳/۱۵	۴/۸۹	۳/۳۰	۲/۹۴
آزمون t مستقل	آمار آزمون t	-۱/۶۷۹	-۰/۵۷۶				
	برای بررسی	درجه آزادی	۱۴	۱۴		۸	
برابری میانگین‌ها	sig	۰/۱۱۵	۰/۵۸۱			۰/۴۷۱	

۵- بحث و نتیجه گیری

همان گونه که در بخش پیشین مقاله گفته شد، تحلیل داده‌ها براساس آمار استنباطی تفاوت معناداری میان میزان طبیعی‌تربودن انتخاب واژه‌ها در متون تألیفی درمقابل متون ترجمه‌شده برای کودکان را نشان نداد (پایگاه دادگان زبان فارسی). اما براساس آمار توصیفی، یافته‌های این پژوهش نشان داد که طبق نظریه صرف طبیعی، کتب تألیفی از نظر معیار تصویرگونگی طبیعی‌تر از کتاب‌های ترجمه‌شده است که جزئیات این توصیف در پی خواهد آمد.

نتایج بررسی واژه‌های بسیط مورد مطالعه حاکی از آن بود که از بین واژه‌های کتب تألیفی، بسیط دوهجایی و در بین واژه‌های کتب ترجمه‌ای بسیط سه‌هجایی بیشترین سهم را دارا بودند؛ بنابراین، ازلحاظ طول کلمه کتب تألیفی از ساختاری طبیعی‌تر از کتب ترجمه‌ای برخوردارند. نتایج این مقاله با پژوهش ایزدی خالق‌آبادی (۱۳۹۳) همسو است؛ براساس آن نتایج از بین ۲۷۴۱ کلمه لغت‌نامه یک‌جلدی معین، ترکیبات CV-CV (دوهجایی) یک‌چهارم کل ترکیبات را به خود اختصاص داده بودند. به نظر می‌رسد که براساس اصل اقتصاد زبانی کلمات بسیط یک، دو و سه‌هجایی که دارای طول کلمه بهینه هستند، در فرایند یادگیری در واژگان سریع‌تر عمل می‌کنند که در این بین، در زبان فارسی کلمات دوهجایی سبک پیشروتر هستند. به نظر می‌رسد مؤلفان کتاب‌های کودک به نسبت مترجمان به این مهم توجه بیشتری داشته‌اند. هرچند که نباید این نکته را از نظر دور داشت که خود فرایند ترجمه محدودیت‌هایی برای انتخاب آزادانه کلمات توسط مترجم ایجاد می‌کند. نتایج پژوهش‌های درس‌ر و دیگران (۱۹۸۷) نیز این نکته را تأیید می‌کند که کلمات ساده نسبت به کلمات پیچیده بی‌نشان‌تر هستند و در فرایند اکتساب زبان، کلمات ساده پیش از کلمات پیچیده فراگرفته می‌شوند. البته این نکته را هم بایست در نظر گرفت که تصویرگونگی و شفافیت امری مدرج و پیوستاری است و پدیده‌ای مطلق نیست.

در بررسی واژه‌های مرکب مورد مطالعه این نتیجه به دست آمد که از بین واژه‌های کتب تألیفی و کتب ترجمه‌ای، کلمات مرکب فعلی بیشترین واژگان طبیعی از نظر تصویرگونگی را دارا هستند. همچنین از بین واژه‌های کتب تألیفی و کتب ترجمه‌ای، واژه‌های مرکب قیدی بیشترین واژگان طبیعی از نظر شفافیت را دارا هستند. این نیز مبین این نکته است که اصوات و نام‌آواها که از طریق صدا یا ساخت آن‌ها به راحتی می‌توان به معنای آن پی برد یا معنی آن را حدس زد، براساس اصل تصویرگونگی و شفافیت، طبیعی هستند. بنابراین، استفاده از واژگان مرکب درون‌مرکز که شفافیت معنایی بیشتری

دارند، در فهم و جذب مخاطب تأثیرگذار است. با توجه به آمار توصیفی، پارامتر تصویرگونگی در کتب تألیفی نرخ طبیعی تری را نسبت به کتب ترجمه‌ای نشان داد. این امر مبین این است که مؤلفان حوزه کودک با توجه به آگاهی داشتن به ساختار زبان فارسی در انتخاب واژه‌های مناسب موفق عمل کرده‌اند. در نتیجه، مترجمان حوزه کودک با توجه به ماهیت زبان‌های مبدأ و مقصد، باید شناخت کامل را از مراحل رشد زبانی کودکان در دو زبان داشته باشند تا در تطبیق اثر با مخاطب با معضل مواجه نشوند. در کل می‌توان نتیجه گرفت که واژه‌های استفاده‌شده در کتب تألیفی و ترجمه‌ای کودک از نظر معیارهای صرف طبیعی مناسب به نظر می‌رسد. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد که اصول صرف طبیعی در ذهن کودکان فارسی‌زبان از واقعیت روان‌شناختی برخوردار است. بنابراین، توجه بیشتر مؤلفان این حوزه به سطح صرفی یعنی ساخت درونی واژه می‌تواند بر میزان فهم کودک از آن آثار و بسط واژگانی وی متناسب با سبب تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد.

منابع

- افراشی، آریتا (۱۳۷۸). نگاهی به شفافیت و تیرگی معنایی در سطح واژه‌های مرکب. *فصلنامه متن‌پژوهی ادبی*، ۲(۹-۱۰)، ۶۱-۷۴. <https://doi.org/10.22054/ltr.2000.6206>
- امری، سیده غفت (۱۳۹۲). *تحلیل ساختمان صرفی کلمات مرکب کتب درسی دوره ابتدایی با رویکرد صرف طبیعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی*، دانشگاه پیام نور.
- ایزدی خالق‌آبادی، مطهره (۱۳۹۳). *بررسی بسامد وقوع انواع هجا و محدودیت‌های توزیعی و ترکیبی انواع هجا در کلمات بسیط فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی*، دانشگاه سمنان.
- ثمره، یدالله (۱۳۷۸). *آواشناسی زبان فارسی (آواها و ساخت آوایی هجا)*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حق‌بین، فریده (۱۳۷۹). *نگرشی به نظریه صرف طبیعی. فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*، ۱۰(۳۶)، ۲۳-۴۳.
- حق‌شناس، علی‌محمد (۱۳۷۱). *آواشناسی (فونوتیک)*. تهران: آگاه.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۶). *مبانی صرف*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- صفوی، کورش (۱۳۷۹). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سوره مهر.
- فخر، فرناز (۱۳۹۲). *بررسی زبان‌شناختی ادبیات داستانی کودکان گروه سنی «الف»، «ب» و «ج»*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- قرشی، محمدحسین (۱۳۸۵). *بررسی مشکلات ترجمه ادبیات کودکان*. تهران: صنم.

غفاری، مهبد (۱۳۸۲). شفافیت و تیرگی معنایی در زبان فارسی. *مجله مطالعات ایران، مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان ایران*، ۲ (۳)، ۸۹-۱۱۴.

کوشکی، فاطمه؛ مظفری، زهرا (۱۳۸۶). بررسی فرایند ترکیب در زبان فارسی براساس نظریه صرف طبیعی. *پازند*، ۳ (۱۱)، ۲۷-۳۸.

نوکاریزی، محسن؛ ضیغمی، مجید (۱۳۹۲). مقایسه میزان اهمیت ملاک‌های رایج انتخاب کتاب کودک برای والدین و کودکان در شهر مشهد. *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۱۹ (۳)، ۳۴۳-۳۶۱.

وضعیت کتاب‌های کودک و نوجوان (۱۴۰۱). برگرفته از لینک isna.ir/xdMkYT

یوسفی، فاطمه؛ البرزی، محبوبه (۱۳۹۶). بررسی مراحل حل مسئله و ویژگی‌های حل‌کنندگان مسئله در ادبیات کودکان در ایران (برمبنای بررسی و مقایسه داستان‌های تألیفی و ترجمه‌ای سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۰)

رده‌های سنی ب و ج). *مجله مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز*، ۸ (۲)، ۵۵-۷۸. <https://doi.org/10.22099/jcls.2016.3865>

Reference

- Afrashi, A. (2000). *Take a semantic transparency and opacity in the compound words. Literary Text Research*, 2(9-10), 61-74 (in Persian). <https://doi.org/10.22054/ltr.2000.6206>
- Amri, E. (2014). *The analysis of Persian compound words in primary school course books: natural morphology approach*. M.A. Thesis in linguistics, Tehran: Payam Noor University (in Persian).
- Assii, M. (2011). *Analysis Of The Usage Vocabulary In Persian Traslational and Non-traslational Children's Literature*, *Traslational Studies*, 8, 32.
- Bauer, L. (1993). *English word-formation*. Cambridge University Press.
- Bauer, L. (2004). *A glossary of morphology*. Edinburgh University Press.
- Dressler, W. U., Mayerthaler, W., Pangal, O., & Wurzel, W. u. (1987). *Leitmotifs in natural morphology*. John Benjamins B.v.
- Dressler, W. U. (1995). *Iconicity in language*. Co. John Benjamins.
- Dressler, W. U. (1985). *On the predictiveness of natural morphology. Journal of Linguistics*, 21(2), 321-337. <https://doi.org/10.1017/S002222670001029X>
- Dressler, W. U. (2005). *Towards a natural morphology of compounding. Linguistica*, 45(1), 29-40. <http://dx.doi.org/10.4312/linguistica.45.1.29-40>
- Fakhr, F. (2013). *A linguistic analysis of children's narrative literature in Persian*. M.A. Thesis in General linguistics, Ferdowsi University of Mashhad (in Persian).
- Ghaffari, M. (2003). Semantic transparency and dullness in the Persian language. *Journal of the Iranian Studies*, 2(3), 89-114 (In Persian).
- Ghoreshi, M. H. (2007). *The syudy of the problems of translation of children's literature* (In Persian).
- Greenberg, J. H. (1995). *on language internal iconicity*. In M. E. Landsberg (Ed.), *Syntactic Iconicity and Linguistic Freezes: The Human Dimension* (pp. 57-64). Berlin, New York: De Gruyter Mouton. <https://doi.org/10.1515/9783110882926.57>

- Hagbin, F. (2001). On natural morphology. *Journal of Humanities*, 10(36), 23-43 (In Persian).
- Haghshenas, A. M. (1992). *Phonetics* Tehran: Agah (in Persian).
- Hiraga, M. K. (1994). Diagrams and metaphors: Iconic aspects in language. *Journal of Pragmatics*, 22(1), 5-21.
- Holenstein, E. (1976). *Linguistik, Semiotik, Hermeneutik*. Frankfurt/Main: Suhrkamp.
- Izadi Khalegh Abadi, M (2014). *Examining the frequency of occurrence of syllable types and the distributional and combinational limits of syllable types in Persian simple words*. M.A. Thesis in linguistics, Semnan University (in Persian).
- Joosen, v. (2019). Children's literature in translation: Towards a participatory approach. *Humanities*, 8(1), 48. <https://doi.org/10.3390/h8010048>
- Katamba, F. (1993). *Morphology*. Macmillan Press Ltd.
- Konieczna, E. (2011). The role of morphological naturalness in the production of innovative verbs in English and Polish: a comparative study. *SKASE Journal of Theoretical Linguistics*, 8(1), 2-22.
- Koushki, F., & Mozaffari, Z (2008). The study of compounding in Persian based on Natural Morphology. *Pazand*, 3(11), 27-38 (In Persian).
- Matthews, P. H. (1991). *Morphology*. Cambridge University Press.
- Mayerthaler, W. (1981). *Morphologische Natürlichkeit*. Wiesbaden: Athenaion. (English translation 1988. *Morphological naturalness*. Ann Arbor: Karoma Press).
- Nowkarizi, M., & Zeighami, M. (2013). A comparison of significant criteria for parents and children in selecting children's books in Mashhad. *Research on Information Science and Public Libraries* 2013; 19(3), 343-361 (In Persian). <http://dorl.net/dor/20.1001.1.26455730.1392.19.3.4.8>
- Peirce, C. S. (1965). *Collected papers of Charles Sanders Peirce*. In C. Hartshorne & P. Weiss (Eds.). Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Safavi, K (2004). An introduction to semantics, Tehran: Sure Mehr.
- Samareh, Y. (1999) *Persian Phonetics: sounds and phonetic construction of syllables*. Tehran: Markaze Nasher Daneshgahi (in Persian).
- Shaghaghi, V. (2008). *An introduction to morphology*. Tehran: Samt (In Persian).
- Spencer, A. (1991). *Morphological Theory: An Introduction to word structure in Generative Grammar*. Blackwell.
- Stekauer, P., & Lieber R. (2005). *Handbook of word formation*. Springer.
- The situation of books for children and teenagers (1401). isna.ir/xdMkYT
- Wurzel, W. U. (1994). Natural morphology. In R. E. Asher & M. Y. Sampson (Eds.), *The Encyclopedia of Language and Linguistics* (pp. 2590-2598). London: Pergamon Press.
- Yousefi, F., & Alborzi, M. (2018). A Comparison of Persian and Translated Storybooks Published Between 1380-1385. *Iranian Children's Literature Studies*, 8(2), 55-78 (in Persian). <https://doi.org/10.22099/jcls.2016.3865>
- Zhong, L. (2017). Analysis on translation of children's literature from the perspective of functional equivalence theory—based on tale in orange. *Proceedings of 3rd International Symposium on Social Scienc (233-235), Advances in Social Science, Education and Humanities Research*. <http://dx.doi.org/10.2991/issn-17.2017.52>

پیوست (۱). بررسی معیارهای صرف طبیعی در کتب ترجمه‌ای

نوع واژه	جمع کل		تصویرگونگی		شفافیت		دوگانگی		طول کلمه	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بسیط تک‌هجایی	۴۵۷	۲۰/۴	۳۴۸	۷۶/۱	/	/	/	/	۴۵۷	۱۰۰
بسیط دوهجایی	۶۰۲	۹/۲۶	۵۵۸	۹۲/۶	/	/	/	/	۶۰۲	۱۰۰
بسیط سه‌هجایی	۴۷۱	۲۱	۴۶۱	۹۷/۸	/	/	/	/	۴۷۱	۱۰۰
مرکب فعلی	۲۸۰	۱۲/۵	۲۴۱	۸۶	۲۴۵	۸۷/۵	۲۶۷	۹۵/۳	/	/
مرکب اسمی	۲۷۰	۱۲	۲۵۰	۹۲/۶	۲۶۱	۹۶/۷	۲۶۳	۹۷/۴	/	/
مرکب صفتی	۱۵۰	۶/۷	۱۳۷	۹۱/۳	۱۳۷	۹۱/۳	۱۳۸	۹۲	/	/
مرکب قیدی	۱۰	۰/۴	۸	۸۰	۱۰	۱۰۰	۱۰	۱۰۰	/	/
کل واژگان ترجمه‌ای	۲۲۴۰	۱۰۰	۲۰۰۳	۸۹/۴	۶۵۳	۹۱/۹	۶۷۸	۹۵/۴	۱۵۳۰	۱۰۰

پیوست (۲). بررسی معیارهای صرف طبیعی در کتب تألیفی (منبع: یافته‌های پژوهش)

نوع واژه	جمع کل		تصویرگونگی		شفافیت		دوگانگی		طول کلمه	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بسیط تک‌هجایی	۵۰۳	۲۰/۵	۴۹۴	۹۷/۸	/	/	/	/	۵۰۳	۱۰۰
بسیط دوهجایی	۷۴۶	۳۰/۴	۷۳۵	۹۸/۵	/	/	/	/	۷۴۶	۱۰۰
بسیط سه‌هجایی	۵۰۵	۲۰/۶	۴۹۱	۹۷/۲	/	/	/	/	۵۰۵	۱۰۰
مرکب فعلی	۳۰۴	۱۲/۴	۲۸۷	۹۴/۴	۲۸۷	۹۴/۴	۲۹۰	۹۵/۳	/	/
مرکب اسمی	۲۴۹	۱۰/۱	۲۳۰	۹۲/۳	۲۳۷	۹۵/۱	۲۳۷	۹۵/۱	/	/
مرکب صفتی	۱۳۳	۶/۷	۱۲۷	۸۲/۷	۱۲۱	۹۱/۳	۱۳۰	۹۷/۷	/	/
مرکب قیدی	۹	۰/۴	۸	۸۸/۹	۹	۱۰۰	۸	۸۸/۹	/	/
کل واژگان تألیفی	۲۴۴۹	۱۰۰	۲۳۷۲	۹۶/۸	۶۵۴	۹۴/۱	۶۶۵	۹۵/۶	۱۷۵۴	۱۰۰

